



۲۰۱۷-۰۳-۲۰



صالحه واهب واصل

## فصل بهار

بعد همه انتظار، غرق غم روزگار

باز به گوشم رسید مژده که آمد بهار

آ، که غم از دل کنیم، چنگی به قلقل زنیم

دردی دل شیشه را سر بکشیم بار بار

آ، که قیامت کنیم، نقض ندامت کنیم

پیش دو چشم جهان عشق بورزیم هزار

مستی به تدبیر نیست، هستی به تفسیر نیست

فکر طهارت کنیم تنگ در آغوش یار

پر بزیم تا فلک، در جمع حور و ملک

شور و شغف را برون، آوریم از اختیار

مردم دنیا غمین، از پی عقبا و دین

ما و تو از خود رها بنده پروردگار

هوش زدائیم ز سر، از غم جان بی خبر

تا که به دل بشکنیم توبه ای پرهیزگار

آ، که بگوییم پای، نغمه دهیم سر ز نای

تا حد دیوانگی رقص کنیم بی شمار

پا نشناسیم ز سر، حلقه کنیم دست و بر

تا به جمع عاقلان نامی شویم یادگار

خوش گذران «واهیبا» بر نه امید بقا

۲۰۱۷-۰۳-۱۵

باز کجا ما، کجا آمد فصل بهار

د پانو شمیره: له ۱ تر ۱